

چرا ترامپ به دنبال پایان دادن به جنگ اوکراین است؟

همیشه پای چین در میان است

سیدالارحیمی
پژوهشگر مسائل بین الملل

۲۴ فوریه سال ۲۰۲۵ میلادی، جنگ روسیه و اوکراین وارد سومین سال خود شد. تاریخ شروع این جنگ، همانند جنگ جهانی اول و دوم، برای اروپایی ها بسیار مهم است. اما تاریخی که اروپایی ها می بایست آن را بهتر به خاطر بسپارند، ۶ نوامبر سال ۲۰۲۴ است؛ درست یک روز پس از انتخابات آمریکا. آن روز، خبرگزاری CNN به‌درستی در یک تیر یازده کلمه‌ای، اوضاع جهان پس از انتخاب ترامپ به عنوان ۴۷مین رئیس جمهور آمریکا را توصیف کرد. CNN آن روز تیر زد: «دور دوم ترامپ هیچ شباهتی به دوره اول او نخواهد داشت.» این در حالی است که دوره اول ترامپ، بسیار متفاوت‌تر از دوره اول و دوم سایر رئیس جمهورهای ایالات متحده بوده است. ترامپ در کارزارهای انتخاباتی خود به‌صورت مداوم از جنگ روسیه و اوکراین سخن می گفت و ادعا می کرد که می تواند این جنگ را در ۲۴ ساعت تمام کند و طرفین را به سوی صلح ببرد. او به‌صورت مکرر از سیاست‌های جو بایدن، رئیس جمهور وقت ایالات متحده در مورد جنگ روسیه و اوکراین انتقاد می کرد.

پس از مراسم تنفیذ ترامپ در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، آقای رئیس جمهور تنها به ۴۰ روز زمان نیاز داشت تا این جنگ را به سمت مرحله‌ای تازه هدایت کند. دولت آمریکا با چرخش در سیاست‌های خود در قبال جنگ اوکراین، با هدف‌های بسیار مهم‌تر برای کشور خود سعی در ایجاد صلح دارد که منافع آمریکا در تمام جهات تأمین شود و به مقصود اصلی سیاست خارجی خود، یعنی مقابله با چین برسد.

ترامپ با هدف به پایان رساندن جنگ در شرق اروپا، روز جمعه اول ماه مارس میزبان زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین بود. در این دیدار ترامپ اعلام کرد اگر آمریکا نمی‌بود اوکراین در این جنگ شکست می‌خورد. این صحبت‌ها و اکتش رئیس جمهور اوکراین را نیز در پی داشت. تمام جهان شاهد جدال لفظی رئیس جمهور آمریکا و معاون او، جی دی ونس و رئیس جمهور اوکراین، ولادیمیر زلنسکی در کاخ سفید بودند. این اتفاق تمام جهان را متحیر کرد به گونه‌ای که تمام رسانه‌ها به این موضوع پرداختند. رسانه‌های آمریکایی مدعی شدند که بعد از این اتفاق و بی احترامی رئیس جمهور اوکراین به دونالد ترامپ، ایالات متحده تمام کمک‌های خود را به اوکراین متوقف می‌کند و دیگر حامی این کشور در جنگ با روسیه نخواهد بود. مقامات کشورهای اروپایی پس از اتفاقات کاخ سفید اعلام کردند که همچنان به حمایت‌های خود از زلنسکی و کشور اوکراین ادامه خواهند داد و این کشور را در جنگ با روسیه تنها نخواهند گذاشت. با مشاهده این اتفاقات، چند موضوع مطرح می‌شود: اول اینکه چرا جنگ شروع شد و آینده آن چه خواهد شد؟ و دوم اینکه چرا سیاست‌های آمریکا پس از ترامپ در قبال جنگ روسیه و اوکراین تغییر کرد و هدف از این تغییر چه بود؟ و سوم اینکه چگونه با ایجاد صلح در شرق اروپا می‌توان به مقابله با چین پرداخت؟ در این نوشتار به بررسی جنگ روسیه و اوکراین و تغییر سیاست‌های دولت ترامپ خواهیم پرداخت و همچنین سیاست ترامپ را به مقابله با چین را نیز بررسی خواهیم کرد و سعی می‌کنیم آینده تحولات را نیز بررسی کنیم.

■ ■ ■

➤ روسیه و اوکراین در آینه تاریخ

قبل از شروع به پاسخ دادن به این سؤال که چرا روسیه و اوکراین وارد جنگ شدند، ابتدا باید به بررسی پیشینه دو کشور بپردازیم تا موضوعات مختلف بیشتر روشن شوند. بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و تجزیه آن به چندین کشور اوکراین یکی از کشورهایی بود که به وجود آمد. این کشور در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۹۱، اعلام استقلال کرد و پس از قرن‌ها از خاک روسیه جدا شد.

اوکراین پس از جدایی از روسیه همچنان روابط خود را با این کشور حفظ کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۴ با ناتو شروع به همکاری کرد و در سال ۲۰۰۸ به‌صورت رسمی برای پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درخواست داد. اما این درخواست در سال ۲۰۱۰ و توسط ویکتور یانوکویچ، رئیس‌جمهور وقت اوکراین پس گرفته شد. یانوکویچ تصمیم گرفت که اوکراین را در آن زمان بی طرف نگه دارد. پیوستن اوکراین به ناتو همیشه مسئله بسیار حساسی برای روسیه بوده به گونه‌ای که ویلیم پوتن، سفیر سابق آمریکا در روسیه و مدیر قبلی سیا در سال ۲۰۰۸ به واشنگتن هشدار می‌دهد که پذیرش اوکراین در ناتو واضح‌ترین خط قرمز، نه‌تنه برای پوتین بلکه برای کل نخبگان روسیه است.

مسئله پیوستن اوکراین به ناتو در سال ۲۰۰۸، شروع درگیری میان روسیه و اوکراین است. البته این درگیری ها همیشه به‌صورت دیپلماتیک بود تا اینکه در سال ۲۰۱۴ روسیه با اشغال کریمه، فصل جدیدی از درگیری میان خود و اوکراین را شروع می‌کند. شبه جزیره کریمه یک حکومت خودمختار در اوکراین بود که در سال ۲۰۱۴ مردم با برگزاری یک همه‌پرسی خواهان پیوستن این منطقه به خاک روسیه می‌شوند. نظامیان روسی نیز با ورود به این بخش از خاک اوکراین آن را اشغال می‌کنند و روسیه نیز معاهده‌ای را با رهبران کریمه در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ امضا می‌کند و این شبه جزیره به روسیه الحاق می‌شود. پیوستن کریمه به روسیه توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده است.

➤ چرا جنگ روسیه و اوکراین شروع شد؟

بعد از مرور یک پیشینه کوتاه از روابط اوکراین و روسیه، می‌بایست به یک سؤال مهم پاسخ دهیم: چرا جنگ روسیه و اوکراین شروع شد؟ بعد از سال ۲۰۱۴ و

الحاق کریمه به روسیه، اوکراین برای پیوستن به ناتو تمام تلاش خود را انجام داد و روسیه نیز در مقابل برای جلوگیری از این اتفاق تمام توان خود را به کار گرفت. رئیس‌جمهور روسیه پیوستن اوکراین به ناتو را همانند بحران موشکی کوبا می‌داند. در سال ۱۹۶۲، اتحادیه جماهیر شوروی با این استدلال که می‌خواهد از کوبا حفاظت کند شروع به استقرار موشک‌های میان‌برد بالستیک کرد. این موشک‌ها ۱۶۰۰ کیلومتر برد داشتند و به راحتی می‌توانستند که خاک آمریکا را مورد هدف قرار دهند. این استقرار موشک‌ها به تلافی قرار گرفتن کلاهک‌های هسته‌ای آمریکا در انگلیس، ایتالیا، یونان و ترکیه بود. در آن زمان کندی، رئیس‌جمهور آمریکا و خروشچف، رهبر شوروی به توافق رسیدند که شوروی تمام موشک‌های خود در کوبا را نابود کند و آمریکا نیز همین کار را در ترکیه انجام دهد.

ولادیمیر پوتین بارها در رسانه‌های روسی اعلام کرده است همان‌گونه که شما برای حفاظت از خود اجازه ندادید که شوروی موشک‌های خود را در کوبا مستقر کند روسیه نیز اجازه پیوستن اوکراین به ناتو و استقرار پایگاه‌های آن در پشت مرزهای روسیه را نخواهد داد.

اما ناتو به‌صورت مکرر به بیانیه‌های پوتین و کشور روسیه بی توجه بود. در ژوئن سال ۲۰۲۱ در جلسه رهبران ناتو در بروکسل، این مجمع بیانیه مربوط به جلسه بخارست در سال ۲۰۰۸ که مربوط به پیوستن اوکراین به ناتو بود را دوباره قرائت کرد. در اواخر سال ۲۰۲۱، نیروهای نظامی روسیه در پشت مرزهای اوکراین تجمع کردند و به قرائت این بیانیه واکنش نشان دادند. وزارت خارجه روسیه در آن زمان عنوان کرد که اوکراین باید از پیوستن به ناتو منع شود، اما نپس استولتینبرگ، دبیرکل وقت ناتو گفت: «این تصمیم برعهده سران ناتو و اوکراین است. کشور روسیه هیچ حقی در مورد پیوستن سایر همسایگان خود به این سازمان ندارد.» در پی این بحران‌ها و تصمیم اوکراین برای پیوستن به ناتو جنگ روسیه و اوکراین به‌صورت رسمی در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد.

➤ آینده جنگ روسیه و اوکراین چه می‌شود؟

در طول سه سال جنگ دو کشور منابع انسانی، نظامی و مالی بسیاری را از دست داده‌اند. روسیه تقریباً ۲۰ درصد از سرزمین‌های کشور اوکراین را در اختیار دارد و در آن سسو، اوکراین نیز ۱۲۰۰ کیلومتر از زمین‌های روسیه که شامل منطقه کورسک می‌شود را در اختیار دارد. دو طرف حالا که در حال جنگیدن هستند، وارد مرحله فرسایشی جنگ شده‌اند و دستاوردهای کوچک و بعضاً بسیار پرهزینه‌ای برای تصرف بخش کوچکی از سرزمین دشمن یا آزادسازی زمین‌های خود می‌پردازند. ارتش روسیه به دلیل تعداد زیاد نیروها، تلفات زیادی را در میدان جنگ متحمل می‌شود و اوکراین به دلیل کمبود نیرو با مشکل شدید تأمین منابع انسانی مواجه است و هزینه جنگ برای دو طرف به‌شدت زیاد است. با توجه به قوانین ناتو، فعلاً در زمان جنگ اوکراین نمی‌تواند به این سازمان پیوندد و هیچ نشانه‌های مثبتی از سوی رهبران ناتو برای پیوستن اوکراین به ناتو وجود ندارد. کشورهای اروپایی و آمریکا در طول سه سال جنگ کمک‌های زیادی به اوکراین کردند. فقط آمریکا در زمان جو بایدن، ۱۸۳ میلیارد دلار کمک به اوکراین کرده که این کمک‌ها شامل ۶۷ میلیارد دلار کمک نظامی، ۴۹ میلیارد دلار کمک اقتصادی و ۳/۶ میلیارد دلار کمک بشر دوستانه بوده است. کشورهای اروپایی نیز به همین شکل به اوکراین کمک‌هایی داده‌اند، اما با وجود حضور ترامپ در اتاق بیضی شکل کاخ سفید دیگر ایالات متحده حاضر به پرداخت هزینه‌های جنگ نیست و

➤ معامله‌ای معطوف به گذشته یا آینده؟!

در این میان نکته مهمی وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد؛ اینکه رئیس‌جمهوری آمریکا این توافق را راهی برای «بازپرداخت» ۵ میلیارد دلار کمک مالی واشنگتن به کی‌یف می‌داند. به عبارتی گویا تر این توافق نه‌تنه ناظر بر آینده و همکاری‌های متوازن میان آمریکا و اوکراین منعقد نمی‌شود، بلکه ترامپ آن را به‌مثابه مجرا و ظرفیتی برای نوعی تسویه حساب اقتصادی از سبوی کی‌یف مورد شناسایی قرار داده است. از سوی دیگر مواضعی که ترامپ به‌صورت هم‌زمان با توافق ادعایی صورت گرفته انجام می‌دهد، حکایت از تغییر استراتژی کلان واشنگتن در قبال جنگ اوکراین (در دوران ترامپ) نیست؛ ترامپ نه الحاق بخشی از خاک اوکراین به روسیه را رد کرده و نه

کشورهای اروپایی نیز به‌تنهایی توان پرداخت هزینه‌های جنگ را ندارند. کشور روسیه نیز به دلیل تحریم‌های فراوان جامعه بین‌الملل و آمریکا در تنگنای سیاسی و اقتصادی بسیار زیادی قرار گرفته است. این کشور در گذشته یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز اروپا بود، اما اکنون دیگر کشورهای اروپایی از این کشور منابع انرژی خود را تأمین نمی‌کنند و با توجه به حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید و قول ترامپ مبنی بر پایان دادن به جنگ، روسیه نیز آماده صلح است. به دلیل مشکلات زیاد دو کشور روسیه و اوکراین و حضور یک میانجی پر قدرت و با نفوذ به نام ترامپ، این کشورها از پیشنهاد صلح استقبال می‌کنند، اما صلیحی که ترامپ خواهان آن است، چگونه است؟

➤ سیاست‌های ترامپ برای صلح چگونه و با چه هدفی است؟

از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ این کشور تقریباً تمام کمک‌های مالی خود به تمام متحدانش بغیر از اسرائیل را قطع کرده است. آخرین بسته کمک‌های مالی که آمریکا به اوکراین داد، در زمان جو بایدن بود و دیگر بعد از آن این کشور هیچ کمکی به این کشور نکرده است. این کشور اعلام کرده است که دیگر کمکی به اوکراین نخواهد کرد و تمام کمکی که به این جنگ کرده را پس خواهد گرفت. همچنین ترامپ اعلام کرده‌اگر کشورهای عضو ناتو هزینه دفاعی خود را به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش ندهند، دیگر هزینه‌های ناتو را نخواهد پذیرفت و دیگر پولی بابت آن پرداخت نخواهد کرد. همچنین آقای رئیس‌جمهور تعرفه‌های ۲۵ درصدی را بر واردات فولاد و آلومینیوم از اتحادیه اروپا تعیین کرده است.

اما تمام این کارها به چه دلیل انجام می‌شود و مراد ترامپ از این‌گونه رفتار در صحنه سیاست بین‌الملل چیست؟ تیم دونالد ترامپ در دوره دوم خود با رویکرد واقع‌گرایانه و با تمرکز بر منافع ملی آمریکا در صدد پیشبرد سیاست خود در صحنه جهان است و خود را نه به‌عنوان بازیگر، بلکه به‌عنوان بازیگردان در جهان دیپلماسی می‌داند و تنها هدف آن‌ها مقابله با چین است. اما چگونه می‌توان با ایجاد صلح در شرق اروپا به مقابله با چین پرداخت؟

ترامپ برای اینکه روسیه را وادار به صلح کند از کشور اوکراین تضمین‌های بسیار خوبی گرفته است؛ تضمین‌هایی که فقط به نفع آمریکاست. براساس داده‌های جغرافیایی کشور اوکراین دارای ۲۲ ماده از ۳۴ ماده معدنی حیاتی است که کشورهای پیشرو برای صنایع دفاعی خود نیاز دارند. همچنین این مواد در توسعه ابزارهای هوش مصنوعی نیز استفاده می‌شوند. کشور اوکراین دارای ۲۰ درصد از ذخایر گرافیت جهان است و این مواد برای تولید باتری خورشیدی و راکتورهای هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. دولت ترامپ قراردادی را با کشور اوکراین منعقد کرده است که دسترسی ایالات متحده به این منابع معدنی اوکراین را فراهم می‌کند و اجازه بهره‌برداری از آن را نیز به این کشور می‌دهد. طبق گفته اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا این قرارداد با اوکراین امضا شده و دیگر معامله تمام است. زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین نیز در مصاحبه اخیر خود با Fox News اعلام کرد هیچ مشکلی در مورد امضای قرارداد مواد معدنی وجود ندارد و فقط این کشور تضمین‌های بهتری در برابر روسیه می‌خواهد. کشور روسیه پس از انتخاب ترامپ به‌عنوان سکان‌دار اصلی کاخ سفید شاهد چرخش سیاست‌های تیم ترامپ به سمت خود بود. ترامپ در دوران انتخابات بعد از مراسم تنفیذ خود بارها از ولادیمیر پوتین



تحمید کرد و او را یک رهبر مهم در صحنه جهان دانست و اقرار کرد که پوتین خواهان صلح است و می‌خواهد با او دیدار کند. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در مورد سرزمین‌هایی که روسیه در تصرف خود دارد نیز به توافقاتی رسیده است اما اعلام کرده که پوتین باید در مورد این زمین‌ها همکاری لازم را انجام دهد. اما چگونه و با چه هدفی سیاست تیم رئیس‌جمهور آمریکا به سمت روسیه متمایل شد؟ پاسخ این سؤال را می‌توان از حرف‌های وزیر امور خارجه آمریکا، مارکو روبریو متوجه شد.

مارکو روبریو در مصاحبه با خبرگزاری Bloomberg گفت: «مانمی توانیم اجازه دهیم که روسیه به شریک کوچک چین تبدیل شود. ما می‌خواهیم بدون ایجاد اختلاف میان همسایگان دارای سلاح هسته‌ای آن‌ها را از همدیگر دور کنیم.» روبریو ادامه داد: «نمی‌دانم که تا چه حد می‌توانیم باعث شویم که رابطه این دو قطع شود، اما تمام تلاش خود را می‌کنیم.»

بسا توجه به صحبت‌های وزیر امور خارجه آمریکا، دولت ترامپ قصد دارد با نزدیک کردن روسیه به خود، این کشور را از چین دور کند و باعث ایجاد اتحاد کشور خود و روسیه شود. دقیقاً کاری که ۵۳ سال پیش نیکسون در برابر دولت شوروی انجام داد. در سال ۱۹۷۲، ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا با سفر تاریخی خود به پکن باعث عادی‌سازی روابط آمریکا و چین شد و ضربه مهلکی با این کار به اتحاد جماهیر شوروی زد.

اکنون و در سال ۲۰۲۵، آقای ترامپ قصد دارد با سیاست مشابه اما این بار بسا بازیگر دیگری همین انقصال را رقم بزند. او با به ارمان‌آوردن صلح برای روسیه و بیرون کشیدن این کشور از جنگ اوکراین می‌تواند روسیه را از فشار اتحادیه اروپا خلاص کند و همچنین این کشور را به دست‌نشانده خود در مقابل اتحادیه اروپا تبدیل کند.

➤ آینده چه می‌شود؟

بالاخره صلح در شرق اروپا انجام می‌شود، اما چند سناریو برای آن وجود دارد که به ترتیب آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

سناریوی اول: متحمل‌ترین سناریو این است که اوکراین و روسیه با توجه به موارد گفته‌شده به صلح راضی خواهند شد و آمریکا برنده اصلی این صلح است زیرا از سمت اوکراین به منابعی دست خواهد یافت که می‌تواند با آن‌ها تسلیحات نظامی بهتری تولید کند و برتری خود را بر چین تضمین کند و از سمت روسیه نیز آمریکا با به ارمان آوردن صلح برای روسیه، این کشور را به متحد اصلی خود تبدیل می‌کند و باعث دوری این کشور از چین می‌شود. **سناریوی دوم:** اوکراین تضمین‌های آمریکادلگرم‌کننده‌ی بیندوایالات متحده با قطع کمک‌های خود از این کشور و حمایت از روسیه، اوکراین را تا جایی به پیش می‌برد که این کشور حاضر به هرگونه معاهده‌ای برای صلح شود و آن موقع است که آمریکا قراردادی بسیار بهتر برای خود را به اوکراین تحویل می‌کند.

سناریوی سوم: روسیه راضی به صلح نخواهد شد و آمریکا با ادامه حمایت از اوکراین، روسیه را بیشتر در جنگ درگیر می‌کند تا زمانی که روسیه نیز راضی به هرگونه صلحی نشود و آن زمان دیگر روسیه سرزمین‌های تصرف‌شده را از دست خواهد داد و جایگاهی که اکنون می‌تواند نزد آمریکا داشته باشد را نیز نخواهد داشت.

با توجه به موارد فوق در هر سناریو آمریکا برنده صلح در شرق اروپا است، این امکان نیز وجود دارد که هیچ کدام از سناریوهای مطرح‌شده اتفاق نیفتد و مسئله جنگ در اروپا به سمت‌وسوی دیگری برود.